

## مقاله اصلی

# مدلی برای پیش‌بینی طلاق عاطفی بر مبنای سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی و هیجان خواهی با میانجی‌گری تنظیم هیجان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۶

### خلاصه

**مقدمه:** هدف پژوهش حاضر ارائه مدلی برای پیش‌بینی طلاق عاطفی بر مبنای سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی و هیجان خواهی با میانجی‌گری تنظیم هیجان بود.

**روش کار:** روش این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی - همبستگی با رویکرد مدل ساختاری بود. از جامعه زنان متأهل شاغل در مدارس ابتدایی دولتی شهر تهران با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای ۳۵۰ نفر انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن، کیفیت زندگی و اروشریون، سبک‌های مقابله‌ای لازاروس - فولکمن، هیجان خواهی زاگرن، کارکردهای روانشناختی خانواده ایرانی کیمیایی و پرسشنامه دشواری تنظیم هیجان گراتز مورد استفاده قرار گرفت.

**نتایج:** آزمون رگرسیون نشان داد که سواد عاطفی و کیفیت زندگی تأثیر منفی بر طلاق عاطفی دارند. هیجان خواهی، تنظیم هیجان و سبک‌گریز اجتناب تأثیر مثبت بر طلاق عاطفی دارند. سواد عاطفی با ۰/۳۷ - بیشترین تأثیر را بر طلاق عاطفی دارد. ضرایب تأثیر غیر مستقیم با واسطه‌گری تنظیم هیجان نشان می‌دهد دوری‌گزینی و گریز-اجتناب تأثیر مثبتی بر طلاق عاطفی دارد. رویارویی، حمایت اجتماعی، کیفیت زندگی و مسئولیت‌پذیری دارای ضرایب تأثیر غیرمستقیم منفی هستند که به معنای تأثیر منفی آن‌ها بر طلاق عاطفی با میانجی‌گری تنظیم هیجان است. دو متغیر گریز-اجتناب و کیفیت زندگی به هر دو شکل مستقیم و غیر مستقیم بر طلاق عاطفی اثر دارند.

**نتیجه‌گیری:** بین سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی و هیجان خواهی با طلاق عاطفی ارتباط وجود دارد که تنظیم هیجان می‌تواند این ارتباط را میانجی‌گری بکند.

**کلمات کلیدی:** طلاق عاطفی، سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان خواهی، تنظیم هیجان

لیلا علاقبند<sup>۱</sup>

حسن پاشاشریفی\*<sup>۲</sup>

ولی‌الله فرزاد<sup>۳</sup>

علیرضا آقاییوسفی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استاد گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، رودهن، ایران

<sup>۳</sup> استاد گروه روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران.

<sup>۴</sup> دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور

Email: Hpsr@yahoo.com



## مقدمه

هیچ تعهدی نسبت به هم ندارند، اما طلاق عاطفی به گونه‌ای دیگر در زندگی زوجین به وجود می‌آید. طلاق عاطفی مهم‌ترین عامل ازهم گسستگی ساختار و بنیادی‌ترین بخش جامعه یعنی خانواده است و موجب ازهم‌پاشیدگی عاطفی خانواده می‌شود. در این نوع خانواده، به قول اکثر تعاریف، زن و مرد زیر یک سقف زندگی می‌کنند، ولی هیچ رابطه احساسی میان زوجین یا وجود ندارد و یا بسیار کم است (۵).

پال جان<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۰ طلاق عاطفی را، اولین مرحله در فرآیند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی روبه‌زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (۶). طلاق عاطفی مرحله‌ای از رابطه‌ی زناشویی است که در آن عشق، محبت و عاطفه جای خود را به خشم، ناراحتی و نفرت می‌دهد و زوج‌ها احساس می‌کنند که احساسات مثبت برای همیشه رفته‌اند و جای خود را به احساسات منفی داده‌اند. این نوع طلاق به تدریج و بی‌سر و صدا اتفاق می‌افتد حتی بدون آگاهی زوج‌ها و همان‌قدر که زوج‌ها از هم دور می‌شوند، پایداری ازدواج به خطر می‌افتد، افراد داری طلاق عاطفی از هم ناراحت و عصبانی هستند (۷). عوامل مختلفی در خانواده می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد طلاق عاطفی شوند. احمدوند و بابایی (۸) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که کاهش کیفیت زندگی در بروز طلاق عاطفی نقش دارد، همچنین صمدی فردر پژوهشی که در زوجین دارای طلاق عاطفی در شهر اردبیل انجام داد به این نتیجه رسید که کیفیت زندگی از جمله متغیرهای مرتبط با طلاق عاطفی زوجین می‌باشد (۹). لیتزنیگر و گوردون در پژوهش خود نشان دادند که کیفیت زندگی عامل مهمی در پیش‌بینی رضایت زناشویی و موفقیت ازدواج است (۱۰). کیفیت زندگی یک ساختار چند بعدی است که مشتمل بر اجزای فیزیکی، عاطفی، ذهنی، اجتماعی و رفتاری است که از سوی پژوهشگران به‌عنوان یک مفهوم چند بعدی هم از نظر ابعاد عینی و هم از نظر ابعاد ذهنی مورد بررسی قرار گرفته است (۱۱).

سبک‌های دفاعی نوعی فرآیند ذهنی یا سبک‌های مقابله‌ای هستند که واکنش‌های روانشناختی خودکار را در فرد ایجاد و از شخص در برابر اضطراب حمایت می‌کنند. مکانیسم‌های دفاعی یک راه

ازدواج مهم‌ترین پایه در تشکیل خانواده و نقطه عطفی در چرخه زندگی است. همچنین جنبه اساسی از زندگی هر فردی است که دو نفر را به‌عنوان همسر به همدیگر متعهد می‌کند و به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد زندگی او، از جمله رفاه اجتماعی، عاطفی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد (۱). با وجود این که بیش‌تر ازدواج‌ها با عشق و علاقه و محبت طرفین صورت می‌گیرد اما شواهد فراوانی گویای این است که زوج‌ها در جامعه‌ی امروزی، برای برقراری و حفظ روابط صمیمانه و دوستانه دچار مشکلات شدید هستند و در اکثر موارد مشاهده می‌کنیم که زن و مرد با تمام تلاشی که در جهت انجام دقیق وظایف خود دارند، به مرور زمان، عشق و علاقه‌ی بیشان کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شده و گاهی به‌طور کامل محو می‌شود و همسران بدون هیچ‌گونه احساس و عاطفه‌ای نسبت به هم، به‌طور کامل جدای از هم به زندگی خود ادامه می‌دهند (۲). به عبارتی زوجین معمولاً به امید تعاملات گرم تشکیل زندگی می‌دهند، اما آنچه در واقعیت دیده می‌شود این است که روابط عاطفی در آغاز زندگی اغلب با شور و حرارت خاصی وجود دارد، اما پس از مدتی به علت ناآگاهی و غفلت یکی از طرفین یا هر دو، عواطف فروکش می‌کند و به تدریج که این وضعیت تشدید می‌شود، زندگی رو به سردی می‌گراید. بر اساس مطالعات اکتشافی، گاهی این حالت تا جایی ادامه می‌یابد که زوجین زیر یک سقف فقط در کنار هم‌اند، اما با هم زندگی نمی‌کنند، این وضعیت را طلاق عاطفی می‌گویند (۳).

طلاق یک واقعه نیست، بلکه فرایندی است که با بروز دلایلی طی زمان شکل می‌گیرد و سرانجام به جدایی ختم می‌شود. طلاق را می‌توان از منظرهای گوناگون اعتقادی، قانونی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد، ولی آنچه همواره به‌عنوان طلاق مطرح بوده است، جدایی زن از شوهر یا جدایی زوجین از زندگی مشترک و فسخ عقد است. در سال‌های اخیر با توجه به تزلزل در ارزش‌ها و تغییر هنجارهای اجتماعی که باعث تغییر در نگرش‌ها، انتظارات و توقعات شده (۴) و به دلیل تغییراتی که در ساختار و روابط بین زوجین پدید آمده با تقسیم‌بندی جدیدی مواجهیم که طلاق به دو نوع رسمی و عاطفی (خاموش) تفکیک می‌شود. در طلاق رسمی، زن و مرد با مراجعه به دادگاه به‌طور قانونی از یکدیگر جدا شده و

<sup>1</sup> Paul Johan

اجتماعی و حتی سلامتی جسمانی و حیات خود به دست آورند (۱۶).

از دیگر عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد طلاق عاطفی شود ضعف سواد عاطفی اعضای خانواده است، عنصر سواد عاطفی عامل مهمی در ایجاد یا عدم ایجاد طلاق عاطفی است زیرا سواد عاطفی می‌تواند فاصله‌ی عاطفی بین زوجین را کم کند. مطالعه Lyusin نشان می‌دهد که آگاهی از هیجان‌ها و چگونگی اثرگذاری این آگاهی در روابط بین فردی در زندگی زناشویی مؤثر است (۱۷). سواد عاطفی به توانایی اطلاق می‌شود که ما به وسیله آن قادر به اندیشیدن، تشخیص دادن، اداره کردن، دریافت و انتقال عواطف خود به‌طور مناسب و درک و فهم این مطلب هستیم که این عوامل چگونه رفتارها و مناسبات ما را شکل داده و بر اندیشه‌ها و باورهای ما تأثیر می‌گذارند. عدم تأمین نیازهای عاطفی که به دلیل فقدان محبت یا عدم ابراز محبت بوده است، به‌صورت‌های متنوعی مطرح‌شده است که همگی منجر به سرد شدن رابطه‌ی زن و مرد و گسست عاطفی شده است. در مواردی فقدان محبت و عاطفه از سوی مرد و علاقه‌ی یک طرفه زن به همسرش از ابتدای زندگی مشترک و تبدیل تدریجی آن به نفرت وجود داشته است. در مواردی عدم ابراز محبت کلامی و رفتاری مورد انتظار زن به دلیل نگرش متفاوت زن و مرد در زمینه‌ی ابراز محبت، بیان شده است (۱۸).

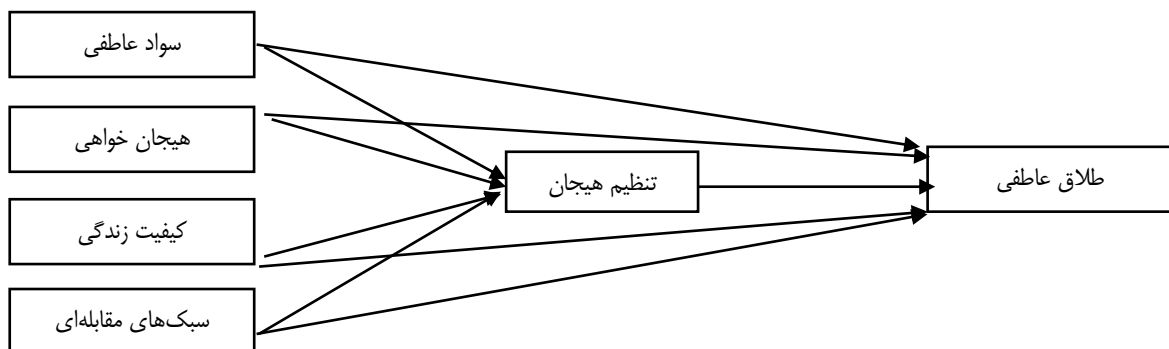
از جمله عوامل تأثیرگذار و مرتبط با طلاق عاطفی می‌توان به دشواری در تنظیم هیجان اشاره کرد به این دلیل که تغییر در هر کدام از بخش‌های مختلف عملکرد سیستم‌های شناختی، از قبیل؛ حافظه، توجه و هوشیاری موجب تغییر خلق می‌شود. بنابراین نمی‌توان نقش تنظیم هیجان شناختی را در سازگاری افراد با وقایع استرس‌زای زندگی نادیده گرفت (۱۹). کیفیت یک رابطه عاشقانه تا حد زیادی بر تجربه، بیان و مبادله هیجان‌ات مثبت در مقابل منفی بستگی دارد (۲۰). ابرازات منفی می‌تواند به افت کیفیت رابطه منجر شود، افراد به‌طور منظم روابط مهم خود را از نظر هیجانی توصیف می‌کنند (۲۱). هیجان چسبی است که زوجین را به هم پیوند می‌دهد و همچنین حلالی است که پیوندها را فرسوده می‌کند (۲۲). درون روابط، هیجان در خدمت اهداف انطباقی بسیاری است اما زمانی که بیش از حد شدت و دوام یابد یا متناسب بافت نباشد به تنظیم نیاز دارد. در رویکردهای نوین نیز، علت اختلالات هیجانی به

حل خاص برای حل مشکلات نیستند ولی می‌توان از آن‌ها برای رفع تعارض روانی و کاهش احساسات ناخوشایند اضطراب، ترس و تنش به کار برد. افراد سبک‌های دفاعی را برای محافظت از من به کار می‌برند و نتایج تحقیقات مختلف بیانگر این است که سبک‌های دفاعی با جنبه‌های مختلف زندگی افراد ارتباط دارند. نتایج تحقیقات بیانگر این است که سبک‌های دفاعی به‌طور منطقی این ظرفیت را دارند که در مداخلات تشخیصی و درمانی به‌ویژه در حوزه خانواده و زناشویی مورد استفاده متخصصان واقع شوند (۱۲). با توجه به اینکه همسران از مکانیسم‌های دفاعی برای کاهش اضطراب ناشی از رخدادها و تعارضات زناشویی استفاده می‌کنند در صورتی که از مکانیسم‌های دفاعی به‌صورت مناسب بهره‌نگیرند باعث افزایش استرس و اضطراب، ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران و حل مسئله می‌شود، راهبردهایی که فرد به کار می‌برد، بخشی از نیم‌رخ آسیب‌پذیری او به شمار می‌رود و به کار بردن راهبردهای نامناسب، در رویارویی با عوامل استرس‌زا می‌تواند موجب افزایش مشکلات گردد، درحالی که به کارگیری راهبردهای مناسب مقابله‌ای می‌تواند پیامدهای سودمند جسمی و روانی در زندگی فرد در پی داشته باشد (۱۳).

هیجان خواهی به‌عنوان یک خصیصه شخصیتی در گستره هیجانی موضوعی بسیار قابل ملاحظه است که آثار مشهودی بر روابط بین فردی دارد و می‌تواند گوشه‌ای از مسائل خانوادگی را در قالب روابط عاطفی بین دو فرد که پیمان زناشویی می‌بندند، روشن کند. از آنجا که هیجان خواهی در افراد بسیار متفاوت است، به نظر می‌رسد که نظام شناختی و عاطفی هر فرد قاعدتاً بر پایه این خصیصه سازمان‌دهی می‌شود، پس در ارتباط با دیگری باید نوعی تناسب نیز ملحوظ باشد تا بتوان دو فرد را هم‌افق تصور کرد در این صورت باید همبستگی مهمی بین هیجان خواهی زنان و مردانی که پیمان زناشویی می‌بندند وجود داشته باشد تا هر دو بتوانند در یک گستره حرکت کنند (۱۴). زاگرمین هیجان خواهی را به این صورت تعریف می‌کند "میل به هیجان‌ها و تجربیات متنوع، تازه، پیچیده و شدید و تمایل به مخاطره جویی بدنی، اجتماعی، قانونی و مالی به خاطر چنین تجربه‌ای" (۱۵). هیجان خواهان دائماً در جست و جو، محرک‌های جدید و تازه در محیط زندگی خود هستند و حاضرند آن را به بهای سنگین در معرض خطر قرار دادن حیثیت و اعتبار

جدی و جبران ناپذیری برای خانواده به همراه دارد و متأسفانه در همین زمان است که بیشتر انحرافات اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی و روانی پیش می‌آید. در نهایت با توجه به مطالب عنوان شده و با عنایت به این موضوع که بر اساس بررسی‌های پژوهشگر تحقیقی که به ارائه مدل ساختاری پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس متغیرهای پژوهش حاضر انجام شده باشد یافت نشد لذا هدف پژوهش حاضر در صدد این مساله می‌باشد که مدل ساختاری برای پیش‌بینی احتمال طلاق عاطفی زنان متأهل تهران بر اساس کیفیت زندگی زناشویی، سبک‌های مقابله‌ای، هیجان خواهی و سواد عاطفی با میانجگری تنظیم هیجان چگونه است؟

### مدل پژوهش



تهران از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تفاوت فاحشی وجود دارد، ابتدا شهر تهران را به پنج بخش شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز تقسیم نموده و از هر بخش یک منطقه را به تصادف انتخاب کرده، به این صورت که از شمال منطقه ۱، از شرق منطقه ۴، از مرکز منطقه ۶، از غرب منطقه ۵ و از جنوب منطقه ۱۶ به تصادف انتخاب و از هر منطقه لیست مدارس را با همکاری آموزش و پرورش تهیه نموده و با مجوز همکاری از اداره مربوطه همان منطقه از هر منطقه، پنج مدرسه به صورت تصادفی انتخاب گردید و از مدارس هر منطقه ای ۷۰ نمونه جمع آوری شد. ملاک‌های ورود به پژوهش حاضر عبارت بود از: جنسیت فقط زن، رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، افرادی که بیش از ۵ سال از زندگی زناشویی آن‌ها می‌گذرد و فاقد هر گونه اختلال روانپزشکی که نیازمند مصرف دارویی و جلسات روان درمانی باشند. ملاک‌های

نقص در کنترل‌های شناختی نسبت داده می‌شود، به طوری که ناتوانی در کنترل هیجان منفی ناشی از وجود افکار و باورهای منفی درباره نگرانی و استفاده از شیوه‌های ناکارآمد مقابله‌ای است. تنظیم هیجانی، شامل استفاده از استراتژی‌های رفتاری و شناختی برای تغییر در مدت زمان یا شدت تجربه ی یک هیجان است و مشخص شده است که افراد در مواجهه با رویدادهای استرس‌زا، از راهبردهای تنظیم هیجان متفاوتی برای اصلاح یا تعدیل تجربه ی هیجانی خود استفاده می‌کنند (۲۳).

به طور کلی آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار بزرگ تر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد، یعنی آن‌ها با هم زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (۲۴). رسیدن به مرحله ی طلاق عاطفی یا طلاق هیجانی نیز آسیب‌های

### روش کار

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی (معادلات ساختاری) می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان متأهل شاغل در مدارس ابتدایی دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ می‌باشند که بیش از ۵ سال از ازدواج آنان گذشته است. گروه نمونه به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شد. با استناد به نظر هویت و کرامر مبنی بر انتخاب ۲۰-۴۰ نفر برای هر متغیر و با توجه به اینکه پژوهش حاضر دارای ۷ متغیر است اگر به ازای هر متغیر ۴۰ نفر را انتخاب کنیم چون در فرآیند جمع آوری داده‌ها احتمال ریزش وجود دارد لذا نمونه انتخابی ۲۸۰ نفر بر آورد شد که با احتمال افت و نبود طلاق عاطفی در بعضی افراد، ۲۵ درصد به حجم نمونه اضافه شد که شامل ۳۵۰ نفر است. برای روش انتخاب نمونه از آنجایی که در مناطق مختلف

روش مقابله‌ای مسأله مدار و هیجان مدار را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهند که به‌صورت زیر هستند:

الف- روش‌های مسأله مدار: (جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، حد‌مدرانه مسأله، ارزیابی مجدد مثبت) ب- روش‌های هیجان مدار (مقابله رویارویی، دوری‌گزینی، خویش‌داری، خود‌مهارگری، گریز - اجتناب). لازاروس ثبات درونی ۰/۶۶ تا ۰/۷۹ را برای هر یک از سبک‌های مقابله‌ای گزارش کرده است. زارعی و اسدی در پژوهش خود برای گروه نوجوان معتاد، ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۸۲٪ گزارش کردند (۲۸). در این پژوهش نیز پایایی ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بدست آمد.

۴- **پرسشنامه هیجان خواهی زاگرمین:** زاگرمین یک پرسشنامه ۴۰ ماده‌ای مواد کاغذی به نام مقیاس هیجان خواهی ساخته است. مقیاس هیجان خواهی شکل پنجم زاگرمین، ابزار جدیدی است که به منظور استفاده متخصصان و روانشناسان در زمینه ارزشیابی صفت هیجان خواهی تهیه و تدارک گردیده است. این مقیاس یک توصیف کلی از صفت هیجان خواهی با سنجش چهار عامل فرعی (هیجان خواهی، تجربه، طلبی، گریز از بازداری و ملال‌پذیری) را به دست می‌آورد. این مقیاس یک توصیف کلی از صفت هیجان خواهی با سنجش چهار عامل فردی (هیجان خواهی، تجربه طلبی، گریز از بازداری و ملال‌پذیری) را به دست می‌آورد و برای هر یک از عامل‌ها ۱۰ ماده مقیاس در نظر گرفته شده است. این نمره بیانگر میزان هیجان خواهی او است (۲۹). پایایی این مقیاس توسط زاگرمین و آیزنک (۱۹۷۸) در حدود ۰/۸۵ تا ۰/۸۶ برآورد شده است (۳۰). در این پژوهش نیز پایایی ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بدست آمد.

۵- **پرسشنامه مقیاس کارکردهای روانشناختی خانواده ایرانی (IFPFS):** این مقیاس توسط کیمیایی در سال ۱۳۸۸ و برای نشان دادن کارکردهای روانشناختی خانواده ایرانی طراحی و ساخته شده است. این آزمون دارای ۱۲۴ سوال است و دوازده بعد از کارکردهای روانشناختی خانواده ایرانی را می‌سنجد. در پژوهش حاضر فقط از زیر مقیاس سواد عاطفی استفاده شده است. به منظور بررسی روایی این آزمون پس از مطالعات نظری لازم تعداد ۵۷۰ سؤال در ۱۲ حوزه طراحی شد، نگاه به کمک ۵ نفر از اساتید دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد تعداد ۱۲۴ سوال که روایی صورتی و محتوایی بیشتری داشتند انتخاب شد.

خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و تحت درمان روانپزشک یا رواندرمانی بود. بعد از گردآوری داده‌های پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شده و برای تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای Amoss و spss استفاده شد.

## ابزار پژوهش

۱- **پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن:** پرسشنامه طلاق عاطفی از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن گرفته شده است. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۸ نوشته شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. بعد از جمع کردن پاسخ‌های بله، اگر تعداد آن برابر ۸ و بالاتر بود زندگی شما در معرض خطر و جدایی قرار دارد (۲۵). در پژوهش احمدلو و زینالی روایی این ابزار تایید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بدست آمد (۲۶). در این پژوهش نیز پایایی ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بدست آمد.

۲- **پرسشنامه کیفیت زندگی:** فرم ۳۶ عبارتی پرسشنامه کیفیت زندگی توسط varosherbon در سال ۱۹۹۲ در کشور آمریکا طراحی شد و اعتبار و پایایی آن در گروه‌های مختلف بیماران مورد بررسی قرار گرفته است. این پرسشنامه دارای ۳۶ عبارت است که هشت حیطه مختلف سلامت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد: سلامت عمومی، عملکرد جسمانی، محدودیت ایفای نقش، محدودیت ایفای نقش به دلایل عاطفی، درد بدنی، عملکرد اجتماعی، خستگی یا نشاط، سلامت روانی. پایایی و روایی نسخه فارسی این پرسشنامه در ایران تایید شده است ( $r=0.7-0.9$ ) این پرسشنامه توسط نجات در سال ۱۳۸۴ استانداردسازی و هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ می‌باشد. در آزمون روایی همگرایی به منظور بررسی فرضیات اندازه‌گیری با استفاده از همبستگی هر سؤال با مقیاس فرضیه سازی شده، نتایج نشان داد که دامنه تغییرات بین (۰/۹۵\_۰/۵۸) بود (۲۷). در این پژوهش نیز پایایی ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بدست آمد.

۳- **پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای لازاروس - فولکمن:** پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای که توسط لازاروس و فولکمن در سال ۱۹۸۵ تهیه شده است شامل ۶۶ ماده می‌باشد. این ماده‌ها هشت

در بررسی یافته‌های جمعیت شناختی جمعیت نمونه تحصیلات کارشناسی با ۲۳ نفر (۱۷/۲٪) و کارشناسی ارشد با ۱۴ نفر (۱۰/۴٪) بیشترین تحصیلات مشاهده شده در نمونه هستند. ۸ نفر از پاسخ‌دهندگان (۶٪) مدرک دیپلم و ۵ نفر (۳/۷٪) مدرک فوق دیپلم دارند. ۸۴ نفر از نمونه تحصیلات خود را گزارش نکرده‌اند؛ همچنین ۹ نفر از پاسخ‌دهندگان (۶/۷٪) ازدواج فامیلی داشته‌اند و ۴۰ نفر (۲۹/۹٪) ازدواج غیرفامیلی داشته‌اند. ۸۵ نفر از نمونه به سوال نوع ازدواج پاسخ نداده‌اند و اینکه شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد حداقل سن اعضای نمونه ۲۸ و حداکثر سن ۶۵ سال است. میانگین سن ۴۲ سال است. حداقل مدت ازدواج ۵ سال و حداکثر آن ۴۴ سال است. میانگین مدت ازدواج پاسخ‌دهندگان ۱۸/۵۵ سال است. حداقل تعداد فرزند صفر و حداکثر آن ۴ است. میانگین تعداد فرزندان اعضای نمونه ۱/۷۵ است.

آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه مقیاس کارکردهای روانشناسی خانواده در ارتباط با همه سوالات ۰/۹۱ به دست آمد که بیانگر همبستگی بالایی بین سوالات پرسشنامه می‌باشد (۳۱). در این پژوهش نیز پایایی ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۸۳ بدست آمد.

**۶- پرسشنامه دشواری در تنظیم هیجان:** این پرسشنامه توسط گراتز در سال ۲۰۰۴ ساخته شده است. مقیاس اولیه دشواری در تنظیم هیجانی از لحاظ بالینی تدوین شد. به منظور ارزیابی دشواری در تنظیم هیجان‌ات هنگام دوران آشفتگی (هنگامی که راهبردهای تنظیم هیجانی لازم و ضروری می‌باشند)، بسیاری از عبارات DERS مشابه NMR با «هنگامی که من آشفته هستم» آغاز می‌گردند. نمرات بالاتر به معنای دشواری بیشتر در تنظیم هیجانی می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که این مقیاس از همسانی درونی بالایی (۰/۹۳) برخوردار می‌باشد، هر شش زیر مقیاس DERS، آلفای کرونباخ بالای (۰/۸۰) دارند (۳۲). در این پژوهش نیز پایایی ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بدست آمد.

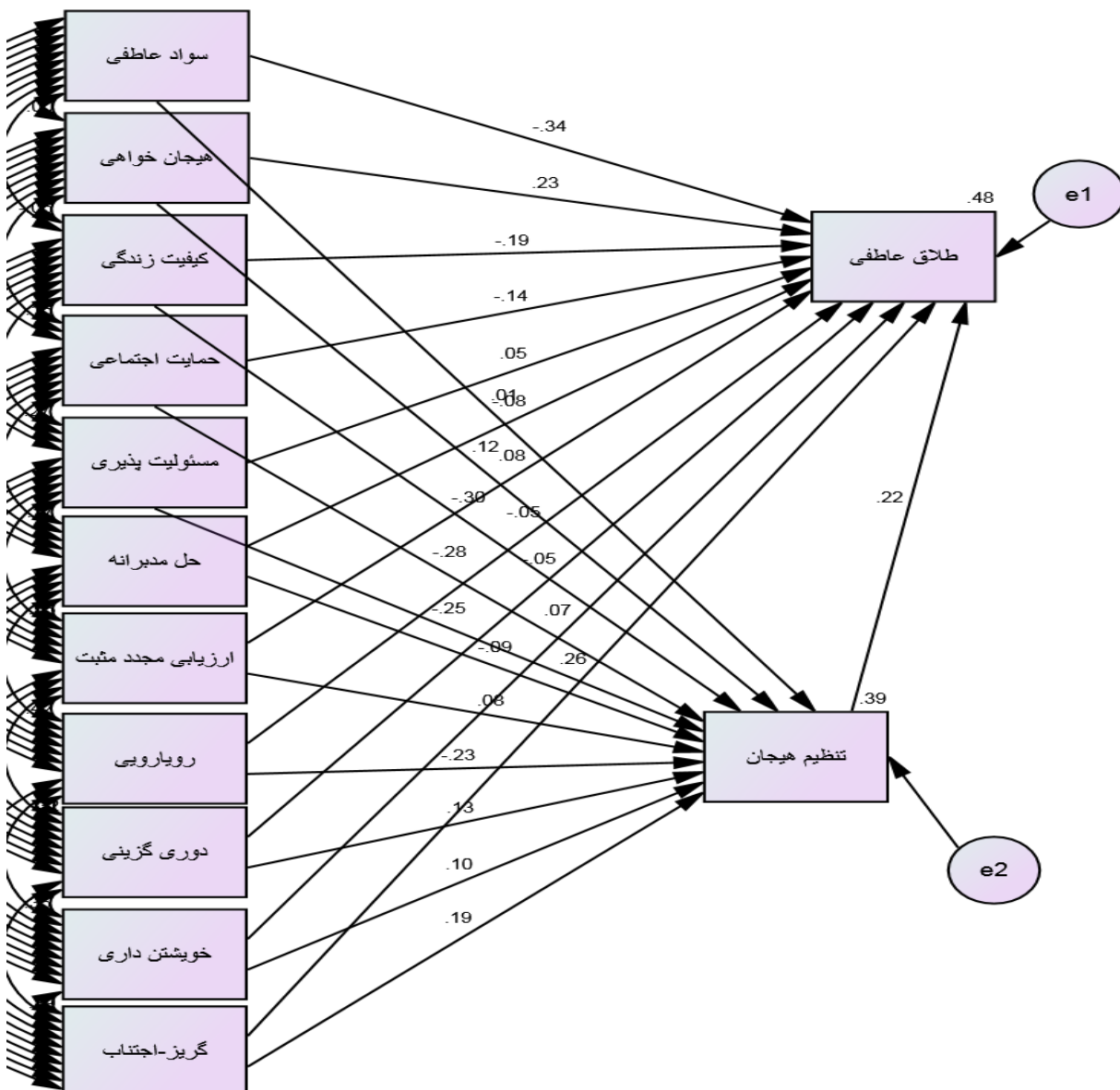
## نتایج

جدول ۱- آزمون نرمال بودن برای متغیرهای پژوهش

آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	کجی	کشیدگی
۰/۰۸۷	۱۳۴	۰/۰۱۴	-۰/۰۷۶	-۱/۱۶۷
۰/۰۸۷	۱۳۴	۰/۰۱۴	-۰/۶۵۴	-۰/۰۸۸
۰/۰۸۲	۱۳۴	۰/۰۲۷	-۰/۶۶۶	-۰/۰۲۶
۰/۰۸۴	۱۳۴	۰/۰۲۱	-۰/۳۲۵	-۰/۴۰۴
۰/۰۸۳	۱۳۴	۰/۰۲۴	-۰/۲۷۸	-۰/۵۵۸
۰/۰۸۵	۱۳۴	۰/۰۱۸	-۰/۰۰۸	-۱/۰۱۲
۰/۰۸۱	۱۳۴	۰/۰۳۳	-۰/۰۶۶	-۰/۰۰۹
۰/۱۱۴	۱۳۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۸۵	-۰/۴۲۵
۰/۱۱۱	۱۳۴	۰/۰۰۰	-۰/۲۱۹	-۰/۶۹۰
۰/۰۸۸	۱۳۴	۰/۰۱۳	-۰/۱۰۴	-۰/۷۷۱
۰/۰۸۷	۱۳۴	۰/۰۱۵	-۰/۱۷۲	-۰/۴۷۳
۰/۰۸۵	۱۳۴	۰/۰۱۹	۰/۰۹۳	-۰/۸۲۳
۰/۱۰۱	۱۳۴	۰/۰۰۲	۰/۲۷۱	-۰/۷۹۶
۰/۱۶۲	۱۳۴	۰/۰۰۰	۰/۵۶۲	-۰/۵۲۰

نرمال بودن توزیع متغیرها از طریق آماره کالموگروف-اسمیرنوف و محاسبه آماره کجی و کشیدگی مورد واکاوی قرار گرفت. با توجه به توان بالای آماره سطح خطای نوع اول در تعیین نرمال بودن ۰/۰۰۱ تعیین شد. سطح معنی داری

مشاهده شده برای سه مولفه راهبردهای مقابله‌ای کمتر از ۰/۰۰۱ است بنابراین توزیع این سه مولفه نرمال نمی‌باشد. هر چند نرمال بودن تک متغیره پیش شرط نرمال بودن چندمتغیره است اما کافی نیست، برای نرمال بودن توزیع چند متغیره در نرم افزار AMOS از ضریب کشیدگی چند متغیره مardia استفاده می‌شود (۳۳). پیشنهاد شده است که مقادیر بزرگتر از ۵

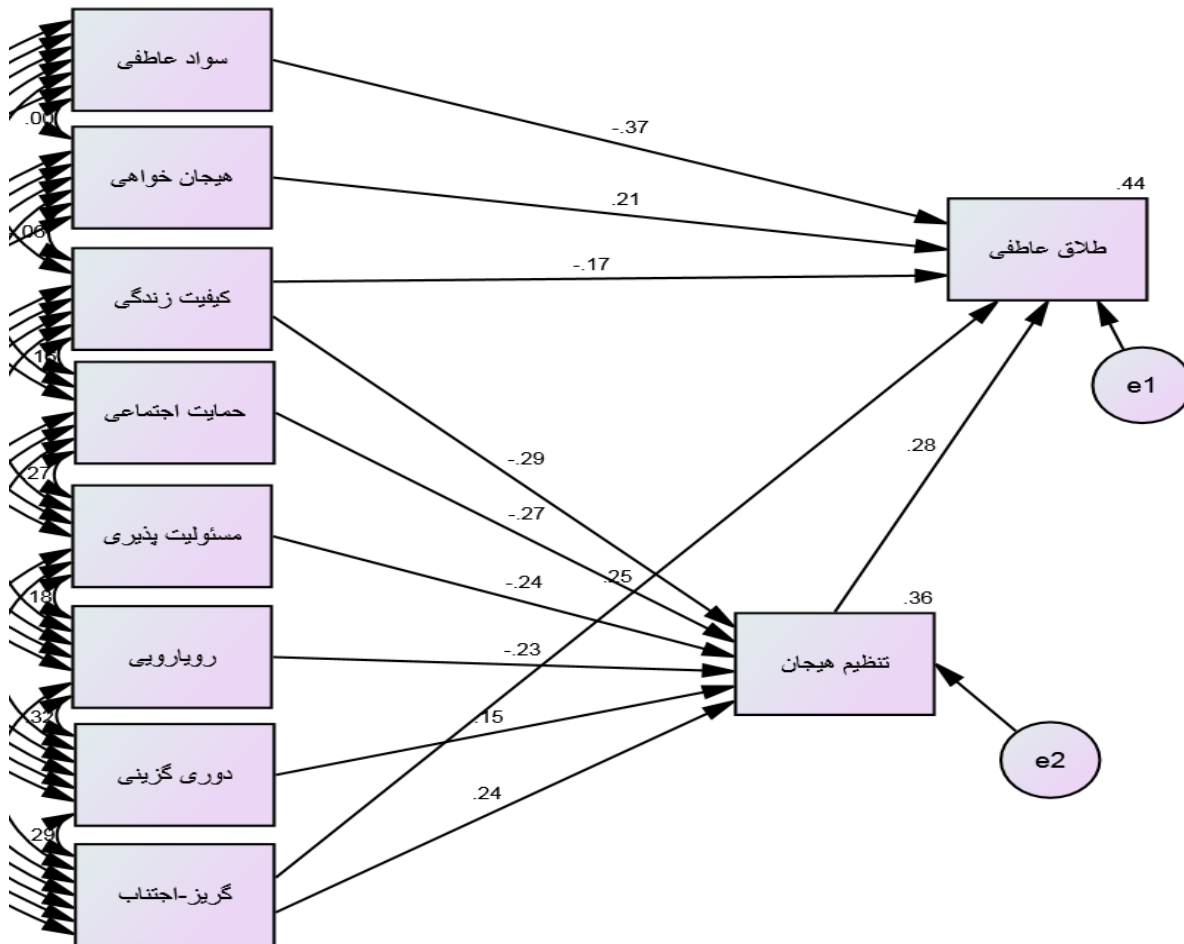


شکل ۱- مدل اولیه پژوهش در حالت ضرایب استاندارد



مدل اولیه یک مدل اشباع شده است. این مدل‌ها به دلیل درجه آزادی صفر دارای مقدار کای اسکور صفر بوده و به طور غیر واقعی برازش کامل با داده‌ها دارند. به منظور دستیابی به شاخص‌های

برازش بایستی با حذف ضرایب غیرمعنادار یک مدل اصلاح شده فرامشخص با درجه آزادی مثبت تدوین شود.



شکل ۲- مدل اصلاح شده در حالت ضرایب استاندارد

در مدل اصلاح شده متغیرهایی که فاقد ضرایب معنادار بودند از مدل حذف شدند. تنظیم هیجانی دارای ضریب تاثیر ۰/۲۸ با سطح معنی داری  $p < ۰/۰۵$  است که این امر فرضیه نقش میانجی را مورد

حمایت قرار می دهد. ۳۶٪ از واریانس تنظیم هیجان و ۴۴٪ واریانس طلاق عاطفی در مدل تبیین شده است.

جدول ۲- شاخص‌های برازش تحلیل مسیر مدل نهایی پژوهش

شاخص‌های برازش	$\chi^2$	p	$\chi^2/df$	(RMSEA)	(RFI)	(NNFI)	(CFI)	(GFI)	(AGFI)
مدل نهایی (اصلاح شده)	۷/۶۷	۰/۲۶۴	۱/۲۸	۰/۰۴۶	۰/۷۷	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۰

نتایج جدول بالا حاکی از آن است که بجز شاخص RFI سایر شاخص‌ها در حد مطلوب گزارش شده‌اند و مدل با داده‌ها برازش مطلوب دارد. از این رو، با توجه به شاخص‌های برازش می‌توان استنباط کرد فرضیه اصلی پژوهش که درباره برازش مدل مفهومی بوده با تعدیلات در نظر گرفته شده، مورد پذیرش واقع می‌شود.

جدول ۳- ضرایب مسیر و سطح معناداری مدل اصلاح شده

متغیر مستقل	متغیر وابسته	استاندارد شده $\beta$	خام $\beta$	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری	تنظیم هیجان	-۰.۲۴۱	-۰.۲/۵۶۵	۰.۷۹۶	-۳/۲۲۲	۰.۰۰۱
کیفیت زندگی	تنظیم هیجان	-۰.۲۹۳	-۰.۵۰۹	۰.۱۳۰	-۳/۹۲۱	۰.۰۰۱
حمایت اجتماعی	تنظیم هیجان	-۰.۲۷۴	-۰.۲/۳۰۵	۰.۶۵۶	-۳/۵۱۵	۰.۰۰۱
رویارویی	تنظیم هیجان	-۰.۲۲۷	-۰.۱/۶۱۷	۰.۵۵۶	-۲/۹۰۹	۰.۰۰۴
دوری‌گزینی	تنظیم هیجان	۰.۱۵۲	۰.۱/۰۷۵	۰.۵۴۳	۱/۹۸۱	۰.۰۴۸
گریز-اجتناب	تنظیم هیجان	۰.۲۳۹	۰.۱/۳۶۹	۰.۴۴۱	۳/۱۰۱	۰.۰۰۲
سواد عاطفی	طلاق عاطفی	-۰.۳۷۰	-۰.۵۷۷	۰.۱۰۲	-۳/۶۳۲	۰.۰۰۱
تنظیم هیجان	طلاق عاطفی	۰.۲۸۱	۰.۰۸۰	۰.۰۲۰	۴/۰۴۲	۰.۰۰۱
هیجان‌خواهی	طلاق عاطفی	۰.۲۰۵	۰.۱۹۸	۰.۰۶۲	۲/۱۶۳	۰.۰۰۲
کیفیت زندگی	طلاق عاطفی	-۰.۱۷۱	-۰.۰۸۴	۰.۰۳۵	-۲/۴۲۸	۰.۰۱۵
گریز-اجتناب	طلاق عاطفی	۰.۲۵۵	۰.۴۱۵	۰.۱۰۷	۳/۸۷۹	۰.۰۰۱

ضرایب مسیر مدل اصلاح شده که سطح معناداری آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ است در جدول ۳ آورده شده است. کیفیت زندگی، مسئولیت‌پذیری، حمایت اجتماعی و رویارویی تأثیر منفی بر تنظیم هیجان دارند. دوری‌گزینی و سبک گریز اجتناب تأثیر مثبت بر تاب‌آوری دارند. بیشترین تأثیر بر تنظیم هیجان با ۰/۲۹- منفی مربوط به کیفیت زندگی است. سواد عاطفی و کیفیت زندگی تأثیر منفی بر طلاق عاطفی دارند. هیجان‌خواهی، تنظیم هیجان و سبک گریز اجتناب تأثیر مثبت بر طلاق عاطفی دارند. سواد عاطفی با ۰/۳۷- بیشترین تأثیر را بر طلاق عاطفی دارد.

جدول ۴- ضریب و معناداری اثرات غیرمستقیم با واسطه‌گری تنظیم هیجان بر طلاق عاطفی

متغیر	استاندارد B	خطای استاندارد	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
گریز-اجتناب	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۰۰۱
رویارویی	-۰/۰۶	۰/۰۳	-۰/۱۳	-۰/۰۲	۰/۰۰۱
دوری‌گزینی	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۱۱	۰/۰۴۲
حمایت اجتماعی	-۰/۰۸	۰/۰۳	-۰/۱۵	-۰/۰۲	۰/۰۰۲
کیفیت زندگی	-۰/۰۸	۰/۰۳	-۰/۱۷	-۰/۰۳	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری	-۰/۰۷	۰/۰۳	-۰/۱۴	-۰/۰۳	۰/۰۰۲

ضرایب تأثیر غیرمستقیم با واسطه‌گری تنظیم هیجان نشان می‌دهد دوری‌گزینی و گریز-اجتناب تأثیر مثبتی بر طلاق عاطفی دارد. رویارویی، حمایت اجتماعی، کیفیت زندگی و مسئولیت‌پذیری دارای ضرایب تأثیر غیرمستقیم منفی هستند که به معنای تأثیر منفی آن‌ها بر طلاق عاطفی با میانجیگری تنظیم هیجان است. دو متغیر گریز-اجتناب و کیفیت زندگی به هر دو شکل مستقیم و غیرمستقیم بر طلاق عاطفی اثر دارند. ضریب اثر کلی استاندارد شده گریز-اجتناب ۰/۳۲ و کیفیت زندگی ۰/۲۵- است که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار هستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی پژوهش حاضر ارائه یک مدل ساختاری است که به وسیله این مدل بتوان پیش‌بینی کرد که از بین متغیرهای سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی، تنظیم

نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد سواد عاطفی به صورت مستقیم تأثیر منفی بر طلاق عاطفی دارد. این بدان معنی است که افزایش سواد عاطفی بر کاهش احتمال طلاق عاطفی موثر است. نتیجه حاصل در راستای پژوهش (۳۵)، (۳۶) بود که نشان دادند با افزایش سواد عاطفی، رضایت از زندگی افزایش می‌یابد. در تبیین نتیجه حاصل

نتایج یک پژوهش کیفی، زنان در این موقعیت احساس می‌کنند که شوهرشان کار و دیگران را به آن‌ها ترجیح می‌دهد و برای شنیدن حرف‌های آن‌ها و بودن در کنار آن‌ها زمان کافی اختصاص نمی‌دهد و همین باعث شکل‌گیری و تداوم رابطه سرد عاطفی در آن‌ها می‌شود (۴۰). یکی دیگر از ابعاد موثر بر طلاق عاطفی، اختلال در قلمرو اجتماعی است. برخی از زوجین با عنوان علاقه شدید، محیط ایزوله‌ای را برای خود ایجاد می‌کنند. در این حالت زوجین رابطه خود را با دنیای پیش از ازدواج قطع نموده و تعامل چندانی با اطرافیان ندارند. به مرور زمان یکی از زوجین خسته شده و این حریم را می‌شکنند. در پی این اقدام زوج یا زوجه احساس می‌کند که کنترل خانواده از دست وی خارج شده و دست به اقدامات مختلف برای کنترل اوضاع و برگرداندن شرایط می‌کند و با توجه به عدم موفقیت، چالش‌ها شروع می‌شود. نهایتاً مشاجره‌های مکرر باعث از بین رفتن علاقه شدید قلبی، و سردی عاطفی می‌شود و در نهایت احتمال طلاق عاطفی بیشتر خواهد شد.

نایج تحلیل داده‌ها نشان داد هیجان خواهی به صورت مستقیم تاثیر مثبتی بر طلاق عاطفی دارد. این بدان معنی است که افزایش هیجان خواهی بر افزایش احتمال طلاق عاطفی موثر است. این نتیجه با نتیجه پژوهش قیمتی (۱۳۹۱) همراستاست درحالی که پژوهش (۴۲) و (۴۳) نشان می‌دهد افزایش هیجان خواهی، تنها در زوجین ناسازگار منجر به کاهش رضایت زناشویی می‌شود و در مقابل در زوجین سازگار با افزایش رضایت از زندگی ارتباط دارد. اگر پدیده هیجان خواهی به عنوان یک تعیین کننده ژنتیکی محسوب گردد، جلوه‌های آن به امکانات محیطی برای رشد این ویژگی وابسته می‌شوند. عامل هیجان خواهی و ماجراجویی (علاقه مندی برای شرکت در ورزش‌ها و فعالیت‌هایی که گاهی با خطرات جسمی همراه است) بیشتر در بین طبقه متوسط جامعه و عامل تجربه طلبی (تمایل برای کسب تجربه‌های جدید از طریق زندگی غیر متعارف با دوستان غیرعادی و سفر به مکان‌های دور) بیشتر در بین طبقه متوسط و بالای جامعه مشاهده می‌شود. مهم‌ترین مولفه هیجان طلبی که می‌توان آن را مخرب زندگی مشترک و مسبب طلاق عاطفی دانست عامل «گریز از بازداری» (تمایل برای رفتارهای بی‌قید و بند و تنوع طلبی جنسی) است (۲۹). بی‌شک عدم تعهد در روابط جنسی منجر به سردی روابط و جدایی عاطفی زوجین می‌شود. علاوه بر این عدم شباهت در میزان هیجان خواهی زوجین می‌تواند

می‌توان به این موضوع اشاره کرد که عدم تأمین نیازهای عاطفی که به دلیل فقدان محبت یا عدم ابراز محبت بوده است، منجر به سرد شدن رابطه ی زن و مرد و گسست عاطفی می‌شود. وقتی زوجین سواد عاطفی کمی دارند، قادر به اندیشیدن، تشخیص دادن، اداره کردن، دریافت و انتقال عواطف خود به‌طور مناسب نیستند. آن‌ها نمی‌توانند به شکل درستی درک کنند که عواطف چگونه رفتارها و تفکرشان را شکل می‌دهد. این موضوع می‌تواند به صورت ناتوانی در درک نیازهای عاطفی یکدیگر بروز کند. که گاهی با شکایاتی چون عدم ابراز محبت زوج مطرح می‌شود. همچنین این مشکل می‌تواند به دلیل نگرش متفاوت زن و مرد در زمینه ابراز محبت، منجر به سوء تفاهم‌های متعدد گردد که باعث سرد شدن رابطه زوجین می‌گردد (۱۸). بر اساس نظر پل بوهانان، در پی علت شناسی طلاق، طلاق عاطفی در پی پاسخ ندادن زوجین به نظرات، انتظارات و نیازهای آن‌ها اتفاق می‌افتد. در این موارد افراد نسبت به هم بی‌توجه شده و از یکدیگر پرهیز می‌کنند. این شرایط باعث کاهش چشمگیر تعاملات مثبت و رضایت از رابطه طرفین، زمینه طلاق عاطفی را فراهم می‌کند (۶).

نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد سواد عاطفی توانایی پیش‌بینی تنظیم هیجانی را ندارد. پس بدین ترتیب نقش تنظیم هیجانی به عنوان واسطه بین سواد عاطفی و احتمال طلاق عاطفی رد می‌شود. بر خلاف نتیجه حاصل، سلیمانی، شیخ الاسلامی، موسوی (۳۷) نشان دادند، هوش هیجانی بر تنظیم هیجانی موثر است.

نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد کیفیت زندگی زناشویی به صورت مستقیم تاثیر منفی بر طلاق عاطفی دارد. این بدان معنی است که افزایش کیفیت زندگی بر کاهش طلاق عاطفی موثر است. این نتیجه با نتایج (۳۸) و (۳۹) همراستاست، در این پژوهش‌ها رابطه مثبتی بین کیفیت زندگی و طلاق عاطفی مشخص شده است و کیفیت زندگی را به عنوان متغیر موثری در پیش‌بینی طلاق عاطفی معرفی کرده‌اند. در تبیین نتایج فوق می‌توان به ابعاد کیفیت زندگی و نتایج حاصل از اختلال در این ابعاد، بر روی روابط زوجین اشاره کرد. تمامی ابعاد با یکدیگر مرتبط هستند و بروز اختلال در هر یک بر سایر جنبه‌ها اثر می‌گذارد. اختلال در قلمرو اقتصادی، اغلب به صورت انجام کار بیشتر و صرف زمان بیشتر در خارج از منزل بروز می‌کند. در این حالت اگرچه که وضعیت پیش آمده برای زنان قابل درک است اما نارضایتی شدیدی را تجربه می‌کنند. بر اساس

لذا؛ آنچه با عنوان مهارت‌های مقابله‌ای مطرح می‌شود، روش‌های برخورد با مسائل است. متوسل شدن به سبک گریز-اجتناب در موقعیت‌های پر تنش، موقعیت حل مسئله را از شخص سلب می‌کند. این شرایط باعث می‌شود نه تنها مشکل ایجاد شده به قوت خود باقی بماند بلکه به صورت مکرر، تنش همراه با آن به زندگی برگردد. این در حالی است که یافته‌ها نشان، می‌دهند که زیان بخش‌ترین متغیرها برای روابط صمیمانه، عوامل فشارزایی خفیف و مزمن بیرونی هستند که به روابط صمیمانه سرایت می‌کند. این عوامل استرس‌زا دلیل تنش و تعارض در بین زوجها و بیگانگی میان آنهاست که احتمال طلاق را افزایش می‌دهد (۴۵).

نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد از میان سبک‌های مقابله‌ای هیجان مدار، دوری‌گزینی با واسطه‌گری تنظیم هیجان، تاثیر غیر مستقیم و مثبتی بر طلاق عاطفی دارد. این بدان معنی است که افزایش استفاده از این سبک مقابله‌ای باعث کاهش توان تنظیم هیجان می‌شود و این موضوع بر افزایش احتمال طلاق عاطفی موثر است. همچنین از میان سبک‌های مقابله‌ای مسئله مدار، مسئولیت‌پذیری تاثیر غیرمستقیم و منفی بر طلاق عاطفی دارد. این بدان معنی است که افزایش استفاده از راهبرد مسئولیت‌پذیری، باعث افزایش توان تنظیم هیجان در فرد می‌شود و به این واسطه احتمال طلاق عاطفی کاهش می‌یابد. استفاده از سبک مقابله‌ای دوری‌گزینی، به معنای انجام تلاش‌های شناختی برای جدا کردن خویش و به حداقل رسانیدن اهمیت موقعیت است. این رفتار نشان‌دهنده ناتوانی فرد در پذیرش احساس به وجود آمده و مسئولیت ناشی از آن است که به شخص اجازه نمی‌دهد به شکل واقعی هیجان‌ات خود را تشخیص و ابراز کند. عدم درک واقعی از موقعیت پیش آمده و هیجان‌ات و شناختواره‌های مرتبط با آن توانایی فرد را در استفاده از راهکارهای تنظیم هیجان کاهش می‌دهد. عدم توانایی در تنظیم هیجان، با کاهش توانایی فرد در سازگاری با وقایع استرس‌زای زندگی می‌تواند مسبب افزایش تنش در میان زوجین و کاهش رضایت از زندگی گردد و بدین ترتیب امکان طلاق عاطفی را افزایش دهد (۴۶). در مقابل استفاده از راهکار مقابله‌ای مسئولیت‌پذیری در زمان مواجهه با مشکلات، با پذیرش نقش خویش در مشکل و تلاش برای حل آن همراه است. شخصی که داری این ویژگی است بیشتر ممکن است به دنبال راهکارهایی برای مدیریت هیجانی در مواقع تنش‌زا باشد. او بر خلاف سبک دوری‌گزین به خود فرصت

به تدریج باعث فاصله در روابط گردد. ماجراجویی، تمایل به انجام رفتارهای نامتعارف و انرژی بالای افراد هیجان‌خواه، در ابتدای ارتباط می‌تواند مطلوب و جذاب جلوه کند. اما با گذشت زمان مشکلات ایجاد شده به دلیل این هیجان‌خواهی زیاد، مانند آسیب‌های جسمی، استرس‌های مالی، تنوع طلبی و عدم تعهد، زمینه شروع اختلافات و تعارضات زوجین را فراهم می‌کند و به این واسطه بستر زوال روابط را مهیا می‌سازد. از زاویه دیگر بر طبق نظریه مارک نپ، یک رابطه از مرحله ساختن رابطه آغاز می‌شود و بعد از رسیدن به اوج، رابطه رو به زوال نهاده و به طرف جدایی حرکت می‌کند. در طی مرحله افتراق مارک نپ، فردی که هیجان‌خواهی بیشتری نسبت به همسر خود دارد، احساس می‌کند که رابطه او با همسرش، به شدت او را محدود کرده است. مارک نپ معتقد است در این وضعیت طرفین بیشتر از وجوه اشتراک، به تفاوت‌ها می‌اندیشند و سعی در برجسته کردن اختلافات دارند. این تفاوت‌های تشدید شده می‌تواند رابطه را به سردی گرایش داده و منجر به طلاق عاطفی گردد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد هیجان‌خواهی توانایی پیش‌بینی تنظیم هیجانی را ندارد. پس بدین ترتیب نقش تنظیم هیجان به عنوان واسطه بین هیجان‌خواهی و احتمال طلاق عاطفی رد می‌شود. در تبیین واسطه‌گری تنظیم هیجانی در رابطه بین هیجان‌خواهی و طلاق عاطفی می‌توان به این نکته اشاره کرد که تنظیم هیجان یک توانایی اکتسابی است. تنظیم هیجان توانایی آن است که بدانیم «چه هیجانی را کجا و چه وقت داشته باشیم و آن‌ها را چه طور تجربه و بیان کنیم» (۲۲). این ویژگی به واسطه ویژگی ذاتی هیجان‌خواهی که متأثر از ساختار زیست‌شیمیایی افراد است پیش‌بینی شود.

نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد از میان سبک‌های مقابله‌ای سبک گریز-اجتناب به صورت مستقیم تاثیر مثبتی بر طلاق عاطفی دارد. این بدان معنی است که افزایش استفاده از سبک مقابله‌ای گریز-اجتناب بر افزایش طلاق عاطفی موثر است. در تبیین نتیجه حاصل می‌توان گفت، به کارگیری روش‌های مقابله‌ای به افراد کمک می‌کند تا بر بسیاری از تعارضات فردی، مشکلات مربوط به روابط اجتماعی، جسمانی و روانی غلبه کنند. سبک‌های مقابله‌ای در واقع عبارت از تلاش‌های فکری، هیجانی و رفتاری فرد است و هنگام روبه‌رو شدن با فشارهای روانی به منظور غلبه کردن، تحمل کردن یا به حداقل رساندن عوارض استرس به کار گرفته می‌شوند (۴۴)

ضروری پیش از ازدواج و در مشاوره‌های زوج مورد توجه قرار گیرد. در ضمن با توجه به تایید نقش هیجان خواهی در پیش‌بینی طلاق عاطفی، پیشنهاد می‌شود بررسی سطح هیجان خواهی زوجین در مشاوره ازدواج مورد توجه قرار گیرد؛ همچنین با توجه به تایید نقش سواد عاطفی در پیش‌بینی طلاق عاطفی، پیشنهاد می‌شود آموزش‌های مورد نیاز جهت ارتقای سطح سواد عاطفی زوجین مورد توجه قرار گیرد.

این پژوهش نیز به مانند هر پژوهشی با محدودیت‌هایی روبرو است، یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که پژوهش به روش پس رویدادی انجام شده است و در پژوهش‌های پس رویدادی امکان دستکاری متغیر مستقل از محقق سلب می‌شود. بعلاوه امکان کنترل همه متغیرهایی که می‌توانند بر متغیر وابسته اثر بگذارند نیز کمتر وجود دارد. بنابراین نمی‌توان نتایج حاصل از بررسی متغیر مستقل و وابسته را قطعی تلقی کرد؛ همچنین از آن-جایی که این پژوهش بر روی افراد درگیر در طلاق عاطفی انجام شده، لذا در تعمیم یافته‌های پژوهش به سایر شیوه‌های اختلاف زناشویی مانند زوجین در آستانه طلاق، باید جانب احتیاط رعایت شود.

می‌دهد تا موقعیت را مجدداً پردازش کند و به دنبال شیوه‌هایی برای کاستن از هیجانات منفی و تعدیل گرایش به پاسخ هیجانی منفی که قبلاً به وجود آمده است، باشد. این شیوه به فرد کمک می‌کند تا با کاهش عوامل استرس‌زا، احتمال تنش و تعارض را در رابطه با همسر خود کاهش داده و احتمال طلاق عاطفی تقلیل یابد (۴۵).

از سوی دیگر همانگونه که پیش تر گفته شد پژوهش‌ها نشان می‌دهد، هرچه فرد از نظر هیجانی بهتر بتواند احساسات خود را کنترل کند، در نتیجه در روابط با همسرش صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند و در مقابل کسانی که قادر به شناخت هیجانات خود نیستند در روابط با همسر خود دچار مشکل می‌شوند و چون همسران آنان دچار نوعی نارضایتی خواهند شد در نتیجه با گذشت زمان صمیمیت بین آن‌ها کم می‌شود (۴۷) و احتمال سردی روابط و در نهایت طلاق عاطفی افزایش می‌یابد.

با توجه به نقش کیفیت زندگی در پیش‌بینی طلاق عاطفی، پیشنهاد می‌شود، مفهوم کیفیت زندگی، اهمیت آن در زندگی هر شخص و شیوه‌های ارتقای آن به‌عنوان آموزش‌های ضروری پیش از ازدواج و در مشاوره‌های زوج مورد توجه قرار گیرد و اینکه با توجه به تایید نقش سبک‌های مقابله‌ای در پیش‌بینی طلاق عاطفی، پیشنهاد می‌شود آموزش سبک‌های مقابله‌ای سازگار، به‌عنوان آموزش‌های

## Reference

1. Girgis S, George RP, Anderson RT. What is marriage. Harv. JL & Pub. Pol'y. 2011; 34:245.
2. Rasta M, Abedzadeh M. Investigating the Factors Affecting Emotional Divorce Among Couples in the Family. Iranian Journal of Sociological Studies. 3(10): 31-46.
3. Skafi M, Turkmen F. Assessment and Typology of Emotional Divorce in Mashhad. Journal of Women Research, 2015; 6 (14): 19-36.
4. Berghoff CR, Gratz KL, Portz KJ, Pinkston M, Naifeh JA, Evans SD, Konkle-Parker DJ, Tull MT. The Role of Emotional Avoidance, the Patient-Provider Relationship, and Other Social Support in ART Adherence for HIV+ Individuals. AIDS and Behavior. 2018 Mar 1;22(3):929-38.
5. Azadi sh, Sahami S, Ghahramani Z, Gholipour Gh. Evaluation of Social Factors Predicting Emotional Divorce Among Female Employees of Gachsaran Oil Company. Journal of Women and Health. 2012; 1 (3): 7-18.
6. DeFrain, J., & Asay, S. M. (2007). Family strengths and challenges in the USA. *Marriage & Family Review*, 41(3-4), 281-307.
7. Hashemi L, Homayuni H. Emotional Divorce: Child's Well-Being. Journal of Divorce & Remarriage. 2017 Nov 17;58(8):631-44.
8. Ahmadvand M, Ahmadvand M, Babaei Z. Decreased quality of life and marital trust in emotional divorce. Eighth Conference of Psychology and Social Sciences. 2017: University of Tehran
9. Samadifar H. The relationship between emotional temperaments and emotional divorce with quality of life of couples. Second International Conference on Psychology, Educational Sciences and Lifestyle. 2015: Tehran
10. Litzinger S, Gordon KC. Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. Journal of sex & marital therapy. 2005 Oct 1;31(5):409-24.
11. Kraemer BR, McIntyre LL, Blacher J. Quality of life for young adults with mental retardation during transition. Mental retardation. 2003 Aug;41(4):250-62.
12. Castanheira MF, Conceição LE, Millot S, Rey S, Bégout ML, Damsgaard B, Kristiansen T, Höglund E, Øverli Ø, Martins CI. Coping styles in farmed fish: consequences for aquaculture. Reviews in Aquaculture. 2017 Mar;9(1):23-41.

13. Tavakolizadeh J, Soltani A, Panahi M. Marital adjustment: The predictive role of spiritual intelligence and coping strategies. *Horizon Med Sci*. 2014; 19 (5) :57-63
14. Kajbaf M, Neshatdoust H, Khalouei Gh. Investigating the Relationship between Sensation Seeking and Marital Satisfaction. *Journal of Shahed University*. 2006: 1 (3): 42-56.
15. Zuckerman M, Kuhlman DM. Personality and risk-taking: common bisocial factors. *Journal of personality*. 2000 Dec;68(6):999-1029.
16. Griesinger G, Berndt H, Schultz L, Depenbusch M, Schultze-Mosgau A. Cumulative live birth rates after GnRH-agonist triggering of final oocyte maturation in patients at risk of OHSS: a prospective, clinical cohort study. *European Journal of Obstetrics & Gynecology and Reproductive Biology*. 2010 Apr 1;149(2):190-4.
17. Lyusin DB. Emotional intelligence as a mixed construct: Its relation to personality and gender. *Journal of Russian & East European Psychology*. 2006 Dec 1;44(6):54-68.
18. Bastani S, Golzari M, Roshani sh. The Consequences of Emotional Divorce and Coping Strategies. *Journal of Family Research*. 2012; 7 (26): 241-257.
19. Garnefski N, Kraaij V. The cognitive emotion regulation questionnaire. *European Journal of Psychological Assessment*. 2007 Jan;23(3):141-9.
20. Gottman JM, Levenson RW. The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14- year period. *Journal of Marriage and Family*. 2000 Aug;62(3):737-45.
21. Gosling SD, Rentfrow PJ, Swann Jr WB. A very brief measure of the Big-Five personality domains. *Journal of Research in personality*. 2003 Dec 1;37(6):504-28.
22. Gross JJ. The emerging field of emotion regulation: An integrative review. *Review of general psychology*. 1998 Sep;2(3):271-99.
23. Aldao A, Nolen-Hoeksema S, Schweizer S. Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clinical psychology review*. 2010 Mar 1;30(2):217-37.
24. Firouzjaei Ali Asghar, Riahi Mohammad Esmaeel, Mohammadi Dost Mansoura. Sociological Analysis of Emotional Divorce Among Couples in Noshahr. *Social-Cultural Development Studies*. 2016; 5 (3): 34-59.
25. Mosavi SF, RezaZadeh SMR. Investigation the role of love attitude in predicting of emotional divorce among married men and women in Qazvin city. *J Women Soc Psycho Stud*. 2014; 12(3): 169- 188
26. Ahmadloo M, Zeinali A. Predicting of emotional divorce based on novelty seeking, negative perfectionism and insecure attachment among employed women of Urmia city. *ioh*. 2018; 15 (2) :64-72
27. Mohammadi E. The Effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy on Marital Satisfaction, Psychological Flexibility, and Quality of Life in Depressed Women with Marital Conflicts. 2016; Master's Thesis
28. Zarei S, Asadi Z. The Comparison of Personality Characteristics and Coping Styles in Addicted and Non-Addicted Adolescents. *Addiction research*. 2012; 5 (20): 87-104.
29. Zuckerman M, Kolin EA, Price L, Zoob I. Development of a sensation-seeking scale. *Journal of consulting psychology*. 1964 Dec;28(6):477.
30. Zuckerman M, Eysenck SB, Eysenck HJ. Sensation seeking in England and America: cross-cultural, age, and sex comparisons. *Journal of consulting and clinical psychology*. 1978 Feb;46(1):139.
31. Kimiaee SA, Khademia H, Farhad H, Ghimati A. Develop and Study of Preliminary Psychometric and Validation Characteristic of Iranian Family Psychological Function Scale. *Journal of Modern Psychological Research*. 2012; 7 (27): 146- 182.
32. Gratz KL, Roemer L. Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*. 2004 Mar 1;26(1):41-54.
33. West SG, Finch, JF, & Curran, PJ (1995). Structural equation models with nonnormal variables. *Problems and remedies. Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications*. 1995:56-75.
34. Taris TW. BM Byrne, *Structural equation modeling with AMOS: Basic concepts, applications, and programming* Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum, 2001 0-8058-3322-6. *European Journal of Work and Organizational Psychology*. 2002; 11:243-6.
35. RasouliTabar M, Jaberi A. The Relationship between Emotional Literacy and Conflict Resolution with Emotional Divorce in Kermanshah Couples. *Journal of Psychological and Educational Studies*. 2017; 25 (10): 135-148.
36. Hashemi S, Asghari Ebrahim Abad M. The Role of Emotional Literacy in Predicting Emotional Divorce by Mediating Conflict Resolution. *Journal of Education, Counseling and Psychotherapy*, 2016; 5 (17): 59-72.
37. Soleimani I, Sheikholeslami A, Mousavi M. The Effectiveness of Emotional Intelligence on Social Adequacy and Emotional Regulation of Bullying Students. *Journal of Educational Psychology*, 2016; 12 (42): 103-128.
38. Moradian sh. Investigating the Relationship between Quality of Life, Marital Satisfaction, Marriage Age and Premarital Sexual Relationship with Emotional Divorce in Ilam. *Masters Thesis*. 2016, Iran.
39. MirAsadi F. A Comparative Study of the Cognitive Triangle and Quality of Life among the Three Divorced, Married, and Divorced Groups. *Masters Thesis*. 2016, Iran.

40. Rezaei AM, Mirzadeh F, Yagoubi E. Couples' Emotional Interactions and Their Role in Emotional Divorce and Divorce: A Qualitative Research. 2017; 13 (4): 585-604.
41. Gheymati R. Predicting Quality of Life through Sensation-seeking and Sexual Satisfaction among Married Men and Women. Masters Thesis. 2012, Iran
42. SeyfZadeh M. The Relationship between Sexual Self-Efficacy, Attachment Styles, and Emotional Seeking with Marital Satisfaction in Adaptive and Incompatible Couples. Masters Thesis. 2017, Iran
43. Rahimi A. The Relationship between Emotion-seeking and Mental Health with Marital Satisfaction of Married Students of Payam-e-Noor University of Tehran. Masters Thesis. 2011, Iran
44. Dafei M. The Investigation of Relation between Coping Strategies with Individual Characteristics and Mental Health of Unfertilized Couples of Yazd. [MSc Thesis]. Tehran, Iran: School of Medicine, 2005; Tarbiat Modares University
45. Kamp Dush CM, Taylor MG, Kroeger RA. Marital happiness and psychological well- being across the life course. *Family relations*. 2008 Apr;57(2):211-26.
46. Lawrence EM, Rogers RG, Zajacova A, Wadsworth T. Marital happiness, marital status, health, and longevity. *Journal of Happiness Studies*. 2019 Jun 15;20(5):1539-61.
47. Omidifar H, Pourebrahim T, KhoshKonesh A, Moradi A. Comparison and Relationship between Self-Regulatory, Emotional, and Marital Intimacy in Couples of One and One Government Employees. *Journal of Business and Organizational Counseling*. 2017; 8(26): 50-67.

*Original Article***A Model for Predicting Emotional Divorce Based on Emotional Literacy, Coping Styles, Quality of Life, and Emotion Seeking with Emotion Regulation Mediation**

Received: 02/08/2019 - Accepted: 17/11/2019

Leila Alaghband<sup>1</sup>  
 HasanPasha Sharifi<sup>2\*</sup>  
 Valiollah Farzad<sup>3</sup>  
 Alireza Aghayousefi<sup>4</sup>

<sup>1</sup>PhD Student of Counseling, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

<sup>2</sup>Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Roudehen, Iran

<sup>3</sup>Professor, Department of Psychology, Kharazmi University, Karaj, Iran.

<sup>4</sup>Associate Professor of Psychology, Payame Noor University

Email: Hpssr@yahoo.com

**Abstract**

**Introduction:** The purpose of this study was to present a model for predicting emotional divorce based on emotional literacy, coping styles, quality of life, and emotion-seeking through mediating emotion regulation.

**Methods:** The purpose of this study was descriptive-correlational in terms of purpose and structural model approach. A total of 350 women were selected from the community of married women employed in public primary schools in Tehran. Data were collected using Gutman's Emotional Divorce Questionnaire, Varouchrion's Quality of Life, Lazarus-Folkman Coping Styles, Zuckerman's Emotionalism Questionnaire, Iranian-Iranian Chemical Family Functioning Questionnaire, and Graz's Emotion Regulation Difficulty Questionnaire.

**Results:** Regression tests showed that emotional literacy and quality of life had a negative effect on emotional divorce. Emotional seeking, emotion regulation, and avoidance style have a positive impact on emotional divorce. Emotional literacy with -0.37 has the greatest impact on emotional divorce. Indirect effect coefficients mediated by emotion regulation show that avoidance and avoidance-avoidance have a positive effect on emotional divorce. Confrontation, social support, quality of life, and responsibility have indirect negative impact coefficients, which means that they have a negative impact on emotional divorce mediated by emotion regulation. The two variables of avoidance-avoidance and quality of life have both direct and indirect effects on emotional divorce.

**Conclusion:** There is a relationship between emotional literacy, coping styles, quality of life, and emotion-seeking with emotional divorce that can mediate this relationship.

**Key words:** Emotional divorce, Emotional literacy, coping styles, Quality of life, Emotion seeking, Emotion regulation.